

اولین رئیس جمهور

پنج گفٹ وگو دربارہ

اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران

دی ماه ۱۳۵۸

جلال الدین فارسی - ابوالحسن بنی صدر

آیت اللہ شہید سید محمد بہشتی - حسن حبیبی - عزت اللہ سحابی

به کوشش: محمد جواد مظفر

www.atharebartar.com

فهرست

- ۷ پیشگفتار
- ۹ مقدمه
- ۱۷ گفت وگو با جلال الدین فارسی
دوشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۸
- ۴۵ گفت وگو با ابوالحسن بنی صدر
دوشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۸
- ۱۱۹ گفت وگو با آیت الله سید محمد حسینی بهشتی
پنجشنبه بیستم دی ماه ۱۳۵۸
- ۱۸۱ گفت وگو با حسن حبیبی
شنبه بیست و نهم دی ماه ۱۳۵۸
- ۲۲۳ گفت وگو با عزت الله سبحانی
یکشنبه سی ام دی ماه ۱۳۵۸
- ۲۶۳ نمایه

پیشگفتار

متن اصلی این کتاب، تماماً از نوارهای ضبط‌شده‌ای استخراج شده که در بیست سال گذشته تنها در اختیار نگارنده و چند تن از همکاران «دبیرخانه شورای انقلاب» بوده، که نامشان در این کتاب آمده است. این متن برای اولین بار چاپ و منتشر می‌شود. تمامی صحبت‌های مطرح‌شده در جلسات، بی‌کم‌وکاست و با رعایت امانت در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. تنها برای حفظ انسجام جملات و تبدیل کلام شفاهی به متن مکتوب و خواندنی، در جاهایی که لازم بوده کلمه یا عبارتی افزوده شود آن را در میان [] قرار داده‌ایم. همین‌جا لازم می‌دانم از خواهر گرامی فرح محقق‌پور که با جدیت و دقتی وسواس‌گونه به خوبی از عهده پیاده کردن نوارها برآمدند تشکر و قدردانی کنم و نیز برای برادر فاضل و ارجمند عبدالرحیم مرودشتی که ویراستاری متن را تقبل کرده و توانستند متنی خواندنی برای خوانندگان کتاب فراهم کنند، آرزوی موفقیت‌های روزافزون نمایم. نیز از خواهر گرامی ملیحه آبام و برادر ارجمند ناصر حیرانی‌نوبری که در شناسایی صدای برخی از حاضرین در جلسات و همچنین شرح احوال آنان یاری‌ام داده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

مسئولیت کلیه مطالب مندرج در پاورقی‌های کتاب به عهده اینجانب است. اما لازم می‌دانم به مصداق «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از همه کسانی که به نحوی در رفع ابهامات تاریخی همراهی‌ام کرده‌اند صمیمانه تشکر کنم. آوردن نام همه آن عزیزان در این مختصر ممکن نیست. تنها بسنده می‌کنم به سپاس از دکتر ناصر تکمیل‌همایون برای توضیحات روشنگر ایشان در مورد فعالیت‌های خارج کشور (آلمان و فرانسه) قبل از پیروزی انقلاب؛ از برادر ارجمند حشمت‌الله منعم که به آرشیو «تماشاگه مطبوعات» رهنمونم

کرد؛ از آقای چراغان و همکاران ایشان در «تماشاگه مطبوعات» که صمیمانه خواسته‌هایم را برآوردند. اما سپاس ویژه و آرزوی سلامتی همیشگی برای وجود گرانقدر و ارزشمند دوست و برادر مهربان، فاضل و محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران محمد ترکمان خواهد بود که با صبوری و حوصله‌ای قابل تقدیر، مزاحمت‌های گاه‌وبیگاهم را تحمل کرد تا مطالب پاورقی‌ها کمتر راه خطا بی‌یاید.

در پایان، جفا خواهد بود اگر تقدیر نکنم از زحمات، دقت و صبوری همکاران خوب انتشارات کویر؛ فاطمه انتظارالمهدی به خاطر یاریم در تهیه نمایه، فرحناز گرامی مقدم به خاطر تحمل تغییرات چندین باره مطالب پاورقی‌ها و اصلاحات مکرر و حروف‌نگاری مناسب کتاب، محمد بیات به خاطر همکاری در تهیه نمایه و نظارت بر کار چاپ و انتشار کتاب. خداوند در همه حال یارشان باد.

محمد جواد مظفر

نزدیک به بیست سال پیش، روز جمعه پنجم بهمن ماه یکهزاروسیصد و پنجاه و هشت، مردم ایران به پای صندوق‌های رأی رفتند، تا اولین رئیس‌جمهور کشور را انتخاب کنند. اهمیت این حادثه از آنجائش می‌شد که در فردای فروپاشی دیرپاترین نظام سلطنتی در جهان به وقوع می‌پیوست. برای مردم و رهبری انقلاب، اینکه «چه کسی» اولین رئیس‌جمهور ایران باشد محلّ تأمل بسیار بود. در این روز تاریخی، ابوالحسن بنی‌صدر توانست با به دست آوردن بیش از هفتاد و پنج درصد آراء شرکت‌کنندگان در انتخابات، گوی سبقت را از دیگر نامزدها ربوده و نام خود را به عنوان اولین رئیس‌جمهور نظام نوپای اسلامی، در تاریخ این مرز و بوم به ثبت رساند. شاید در این روز هیچکس نمی‌دانست که این انتخاب، سرآغاز دورانی از تشنج و درگیری سیاسی و اجتماعی خواهد بود که مَهر دولت مستعجل را بر پیشانی دولت بنی‌صدر خواهد کوبید و در سرانجام آن طعم تجربه‌ای تلخ و آغشته به خون و دشمنی را در ذائقه ملت خواهد نشانید.

کمتر از هفده ماه پس از انتخاب مردم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در روز یکشنبه سی و یکم خردادماه یکهزاروسیصد و شصت رأی به «عدم کفایت سیاسی» بنی‌صدر دادند* و سی و هفت روز پس از آن، روزنامه‌ها در روز چهارشنبه هفتم مردادماه نوشتند: «بنی‌صدر با اخذ پناهندگی سیاسی به پاریس گریخت».**

* روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۵۹۱ مورخ ۶۰/۴/۱ در صفحه اول با تیتربزرگ نوشت:

۱۷۷ رأی به بی‌کفایتی بنی‌صدر برای ریاست جمهوری

** روزنامه کیهان شماره ۱۱۳۴۵ چهارشنبه ۶۰/۵/۷ صفحه اول.

این مقدمه در مقام تحلیل و تشریح وقایع هفده ماه دوران ریاست جمهوری بنی صدر نیست. اما تنها به یک نکته عبرت آموز تاریخی اشاره می‌کند، که طراح و برنامه‌ریز و همراه او در این فرار، مسعود رجوی بود؛ یعنی کسی که بنی صدر قبل از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بارها از او و تشکیلات وابسته به او به عنوان: «بیماران بد اخلاقی» یاد کرده بود که «پیرو روشهای استالینی هستند».* اما از فردای انتخابات در تعارض با حزب جمهوری اسلامی و روحانیت وابسته و همراه آن، چنان در دام توطئه‌های هدفدار آن باند تشنه قدرت اسیر گشت و در مسیری پای گذاشت که سرانجامی جز آن چه به وقوع پیوست برایش متصور نبود. همان زمان که با اکتفاء به در اختیار داشتن حکم امام مبنی بر تفویض «فرماندهی کل قوای مسلح جمهوری اسلامی»** به او، شعار منافقانه و خانمان برانداز باند رجوی، یعنی: «سپهسالار ایرانی بنی صدر، به جبهه تو نگهبانی بنی صدر» را به خود باوراند و ندانست که در پشت این شعار چه خوابی برای او دیده‌اند، اسباب سقوط خود را فراهم و یک فرصت طلایی و تاریخی را از ملت ایران سلب کرد و بر باد داد.

«فرصت طلایی و تاریخی» از آن رو، که وی توانسته بود اعتماد ملت را به خود جلب کند و امام نیز تا آخرین روزها و در مقاطع گوناگون ضمن حمایت از او تلاش کرد وی را از ارتباط و اعتماد و اکتفاء به جریان نفاق برحذر دارد. بنی صدر با تحلیل غلط از شرایط آن روز ایران و انتخاب یک استراتژی محکوم به شکست، به راهی رفت که در پایان آن تراژدی سیاسی، بسیاری از

* به متن صفحه ۶۴ همین کتاب مراجعه کنید.

** این فرمان در تاریخ ۵۸/۱۱/۳۰ صادر شد. صحیفه نور، جلد ۱۱، صفحه ۲۷۴ (دوره ۲۲ جلدی) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

حامیان خود را (روحانی و غیرروحانی) از دست داد، و جماعت عظیمی از مردم را از کرده خود (یعنی انتخاب وی به ریاست جمهوری) پشیمان نمود.

* * *

در سال ۱۳۵۸، پس از اشغال سفارت آمریکا توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» و استعفای دولت موقت و واگذاری اداره امور کشور توسط امام به «شورای انقلاب»^{*}، در عصر روز جمعه هجدهم آبان ماه، به همراه تنی چند از دوستان هم فکر، «دبیرخانه شورای انقلاب» را راه اندازی کردیم. از آن زمان مسئولیت روابط عمومی دبیرخانه شورای انقلاب به عهده نگارنده این سطور بود. در آن روزهای پراشتهاب و سراسر حادثه از نزدیک شاهد وقایعی بودیم که پیرامون مرکز حکومت ایران در جریان بود. بی تردید شرح چگونگی آن رویدادها پس از گذشت دو دهه، برای مردم و خصوصاً نسل جوان، از اهمیت به سزایی برخوردار خواهد بود. یکی از ماجراهای مهم آن روزها، جریان برگزاری «اولین انتخابات ریاست جمهوری» بود. حساسیت موضوع سبب شد تا خواهران و برادران عضو «دبیرخانه شورای انقلاب» ابراز تمایل کنند که برای رسیدن به یک تصمیم مناسب، با نامزدهای انتخاباتی مطرح و نسبتاً قابل قبول جلسات گفت و گو داشته باشند. «مطرح و نسبتاً قابل قبول» از آن رو که همین جا پاسخ این پرسش احتمالی خوانندگان عزیز را داده باشم که چرا این گفت و گوها شامل کسانی چون صادق قطب زاده که در آن زمان هم عضو شورای انقلاب بود و هم وزیر امور خارجه و یا دریادار احمد مدنی نشده است. پاسخ آنست که نامزدی اولی را چندان جدی تلقی

* صحیفه نور، جلد ۱۰، صفحه ۱۴۷ (دوره ۲۲ جلدی) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

نمی‌کردیم و با دوّمی مخالفت اساسی داشتیم. حاصل آن گفت‌وگوها هم اینک در بیستمین سالگرد انتخاب «اولین رئیس جمهور» برای اولین بار منتشر و در قالب کتاب حاضر پیش‌روی شماست. ضرورت انتقال آن تجربیات تاریخی مهمترین انگیزه تدوین این کتاب بوده است. با این توضیح ضروری که مجموعه حاضر شامل گفت‌وگو با سه نامزد ریاست جمهوری، یعنی: جلال‌الدین فارسی، ابوالحسن بنی‌صدر، حسن حبیبی، و نیز آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد بهشتی و نیز عزت‌الله سحابی است. سبب گفت‌وگو با مرحوم شهید بهشتی، همانگونه که از متن گفت‌وگوها درخواهید یافت، آن بود که بنی‌صدر در جریان بحث، چنانکه شیوه او بود، بی‌پروا مطالب تندی علیه دکتر بهشتی و دیگر اعضا «حزب جمهوری اسلامی» بیان داشت و گفت: «می‌توانید نوار ضبط‌شده این جلسه را برای ایشان [دکتر بهشتی] ببرید تا بشنوند».* آن نوار توسط سیدهمایون امیرخلیلی به سمع و نظر دکتر بهشتی رسیده بود و ایشان پس از شنیدن آن مطالب، از کسانی که در آن جلسه حضور داشتند دعوت کرد تا سخنان وی را نیز بشنوند. از این‌رو، حاصل آن نشست به دلیل اهمیت مطالب طرح‌شده در آن جلسه، در این کتاب آمده است. نشست با عزت‌الله سحابی نیز بدان سبب انجام شد که در آن روزها وی از نامزدی دکتر حبیبی حمایت می‌کرد و از آنجا که دوستان ما، هم برای نظرات مهندس سحابی اهمیت قائل بودند و هم نسبت به انتخاب حبیبی تردیدهای جدی داشتند، لازم دانستند تا از نزدیک پیرامون آن موضوع با وی به بحث بنشینند. در آن روزها، هرچه زمان به جمعه پنجم بهمن ماه (روز انتخابات) نزدیک‌تر می‌شد بر شدت هیجانات جناح‌های رقیب افزون می‌گشت. خصوصاً آنکه جلال‌الدین فارسی نامزد حزب جمهوری اسلامی بالاخره

* به متن و پاورقی صفحه ۱۰۸ همین کتاب مراجعه کنید.

ناگزیر شد طی پیامی خطاب به مردم، در روز سه‌شنبه بیست و پنجم دی‌ماه کناره‌گیری خود را از دور رقابتهای انتخاباتی رسماً اعلام کند* و حزب جمهوری اسلامی و گروهها و جریانات همسو با آن ناگزیر به ابراز تمایل به حیبی شدند** و یا منفعل ماندند.

پس از طرح پرسشی از امام درباره نامزدی کسانی که به قانون اساسی رأی نداده‌اند و پاسخ ایشان مبنی بر «عدم صلاحیت آن کسان» در روز سی‌ام دی‌ماه روزنامه‌ها اعلام کردند که: «مسعود رجوی از دور رقابتهای انتخاباتی کنار رفت»*** با نگرانی پزشکان و اطرافیان از ظهور عارضه قلبی در امام، در نخستین روزهای بهمن‌ماه ایشان را از قم به بیمارستان قلب تهران منتقل و در روز پنجشنبه چهارم بهمن‌ماه امام طی سخنانی در بیمارستان، مردم را به شرکت فعال در انتخابات دعوت کردند. در قسمتی از آن سخنان فرمودند: «... بهتر این است که آنهایی که می‌دانند که [انتخاب] نمی‌شوند، آنها متصل بشوند به بعضی آنهایی که می‌دانند می‌برند، تا اینکه ان شاء الله یک رأی کافی تحقق پیدا بکند و ما سرشکسته نشویم...»****

* جلال‌الدین فارسی طی پیامی که در روزنامه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۵۸/۱۰/۲۵ صفحه ۲ به چاپ رسید توضیح داد که: پدرش هشتاد سال پیش از هرات به مشهد آمده اما شناسنامه ایرانی نگرفته و از گذرنامه افغانی استفاده می‌کرده. اما جلال‌الدین در مشهد به دنیا آمده و شناسنامه ایرانی دارد. اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی «ایرانی الاصل و تابع ایران» بودن را از شرایط لازم برای رئیس‌جمهور برشمرده است.

** روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۵۸/۱۰/۲۹ شماره ۱۸۹ با تیتربزرگ:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از حیبی حمایت کرد»

*** روزنامه انقلاب اسلامی یکشنبه ۵۸/۱۰/۳۰ شماره ۱۷۰: «به دنبال اظهار نظر امام در مورد نامزدهای ریاست جمهوری، مسعود رجوی رسماً کناره‌گیری خود را اعلام کرد.»

**** صحیفه نور، جلد ۱۱، صفحه ۲۴۸ (دوره ۲۲ جلدی) - سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۶۱.

غروب همان روز مرحوم شهید فضل‌الله محلاتی که عضو «روحانیت مبارز تهران» بود و از طرفداران جدی بنی‌صدر، به محل شورای انقلاب آمد. دکتر حبیبی و صادق قطب‌زاده و چند تن از اعضاء شورای انقلاب نیز آمدند. قرار شد که به بنی‌صدر نیز اطلاع داده شود تا در این جمع حضور یابد و در صورت امکان پیرامون نظر امام به یک تصمیم‌گیری واحد برسند. هنگامی که به او تلفن کردم و سبب دعوت وی به جلسه را توضیح دادم، پاسخ داد: «سخن امام واضح است، گفته است آنان که رأی ندارند به نفع آنان که رأی دارند کنار بروند. بنابراین تکلیف آقایان روشن است و لزومی به آمدن من ندارد». در حقیقت حرف بنی‌صدر آن بود که چون معلوم است آقایان رأی ندارند بنابراین می‌بایست به نفع او کنار روند. پس از مقداری چانه‌زنی راضی به آمدن شد. ساعتی بعد در اتاق شورای انقلاب به دیگران پیوست. من و چند تن از دوستان به اتفاق شهید محلاتی در اتاق دیگر به انتظار نشستیم. مرحوم محلاتی قاطعانه اعتقاد داشت که: «رأی امام به بنی‌صدر تعلق دارد».

دقیقاً به خاطر ندارم جلسه آن شب چه مدت به طول انجامید. اما وقتی در اتاق باز شد و بیرون آمدند، معلوم گشت که به توافق قابل‌اعتنایی نرسیده‌اند و تنها به امضاء متن کوتاهی اکتفا کرده بودند که: «در صورت موفقیت هر یک از نامزدهای حاضر در جلسه در انتخابات، دیگران با او همکاری کنند». اما چند روز پس از برگزاری انتخابات، هنگامی که نتایج قطعی آن و انتخاب بنی‌صدر با رأی قاطع هفتادوپنج درصد شرکت‌کنندگان معلوم شد؛ شبی به محض خروج قطب‌زاده از جلسه شورای انقلاب برای طرح موضوعی نزد او رفتم و او در حالی که با عجله از پله‌ها پائین می‌رفت گفت: «این حرف‌ها را رها کن، فعلاً بدبختی انتخاب این آقا به ریاست جمهوری است، اسلام به باد رفت!» و قریب به یک هفته از انتخابات می‌گذشت که بنی‌صدر دیگر در جلسات

شورای انقلاب حاضر نمی‌شد و این موضوع سبب رنجش سایر اعضا شده بود. شبی به خانه او (خانه خواهرش در خیابان شریعتی بالاتر از سه‌راه طالقانی) تلفن کردم، مصطفی انتظار یون دستیار و همراه همیشگی او گوشی را برداشت. از او پرسیدم: چرا ایشان در جلسات شورای انقلاب شرکت نمی‌کند؟ و او پاسخ داد: می‌گوید حالم مساعد نیست، ولی اگر خودت با او صحبت کنی بهتر است. گوشی را به او داد. پس از سلام و احوال‌پرسی، سؤالم را درباره سبب عدم حضور وی در شورای انقلاب تکرار کردم و او با لحن مغرورانه‌ای در پاسخ گفت: «جلسات شورای انقلاب باید در حضور رئیس‌جمهور تشکیل شود». و من که دیگر با زبان او آشنا شده بودم و می‌دانستم چگونه باید او را به کاری راضی کرد، گفتم: «این حرفها چیست؟ و حالا خواهش می‌کنم که به خاطر من بیایید»، گفت: «تا ببینم». کمتر از نیم ساعت بعد آمد و به اتاق شورا رفت. من صمیمانه از او تشکر کردم.

* * *

یک سال و نیم بعد، کشور در آتش جنگ خارجی و کینه و دشمنی و خشونت داخلی می‌سوخت؛ فتنه‌ای فراگیر و مهلک حرث و نسل، همه جا را فرا گرفته بود. از آن غرور غافلانه جز حرمان و پشیمانی اثری نبود. «نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان».

تکرار چنان روزهایی برای میهن اسلامی و مردم این سرزمین هرگز مباد.

پنجشنبه نوزدهم فروردین ماه

یکهزار و سیصد و هفتاد و هشت

محمدجواد مظفر

نتایج قطعی شمارش آراء اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران در سراسر کشور*

۱۴/۱۴۶/۶۲۲	کل آراء مأخوذه
۱۰/۷۰۹/۳۳۰	ابوالحسن بنی صدر
۲/۲۲۴/۵۵۴	سیداحمد مدنی
۴۷۴/۸۵۹	حسن حبیبی
۱۳۳/۴۷۸	داریوش فروهر
۱۱۴/۷۷۶	صادق طباطبائی
۸۹/۲۷۰	کاظم سامی
۴۸/۵۴۷	صادق قطب زاده
۲۱۱۰	بقیه کاندیداها

آگهی نتایج انتخابات ریاست جمهوری حوزه شهرستان تهران [اولین انتخابات

ریاست جمهوری]**

۲/۶۱۸/۱۱۶	جمع کل آراء مأخوذه
۱/۸۳۳/۱۹۷	ابوالحسن بنی صدر
۵۵۳/۵۵۷	سیداحمد مدنی
۹۰/۲۲۸	حسن حبیبی
۲۸/۶۷۸	صادق طباطبائی
۲۴/۶۷۶	کاظم سامی
۲۲/۲۲۱	داریوش فروهر
۱۲/۲۰۷	صادق قطب زاده
۲۹۹	مُکری

* روزنامه انقلاب اسلامی سه شنبه ۵۸/۱۱/۹ شماره ۱۷۸ صفحه اول

** روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۵۸/۱۱/۸ شماره ۱۷۷